

خلاف جریان

در حواشی این گرداب
خلاف جریان
میچرخند
و بر آسمان
چنگ می اندازند !

من و تو ،
خلاف عقربه زمان
زمان و مکانرا
سردرگیم
وزندگی ساده ی مانرا
با گره های
وحشی تور
ودانه های تاریک باروت
تهدید میشویم !

راه ما این نیست !
در نبض جوشان و پرتحرک سلولها ی مان
میبایست
زمین و آسمانرا
آب و خشکی را
بهم پیوند میدادیم
وشکار چیان فصل آخر سال را
شناسایی میکردیم !

ما ماهیان عاشق !
که بیرون از قلمرو آب
عشق مان
مورد رگبار ساطورهای وحشی تاجران گرسنه ،
که خلاف جریان این رود پل ساخته اند
قرار میگردد ،
تاکی
میبایست
تمام اقیانوس را
بچرخیم
و فرار کنیم ؟
وباطنش

سونامی های ناملازم
برخود بلرزیم ؟

نه آب این اقیانوس برای فرار ماکافیست ،
نه این تور و باروت
تمام شدنی

با تمام عشق
به رهایی
به آزادی
به زندگی !
میایست
تمام جویبارها را
بریزیم
واقیانوس را
پرشویم از
ماهیان غیور ،
پرشویم از مقاومت !!!

آری !
برای زندگی
در هوای برابری
جز این راهی نیست
جز این راهی نیست
جز این راهی نیست !!!